

## **The impact of postmodern elements on South School fiction writing - With an approach to the novel "Neighbors" by Ahmad Mahmoud –**

Fereshteh mousai <sup>۱</sup>, fredoon tahmasbi<sup>۲</sup> (corresponding author), shabnam hatampour <sup>۳</sup>, farzaneh sorkhi <sup>۴</sup>

### **Abstract**

Postmodern has been translated to mean ambiguity and complexity. Some Iranian writers have created their works considering the political, social, and cultural conditions of the country and by being in the intellectual stream of this school or under the influence of the specific structure and language of postmodernism. Ahmad Mahmoud (1931-2002) is one of the novelists of the Southern School, which is on the historical and political path - the nationalization of the oil industry - of this literary and philosophical school. The purpose of this article is to examine the impact of the story "The Neighbors" by Ahmad Mahmoud on the Southern School and its postmodern components. The authors of this article have attempted to determine the extent to which this author uses postmodern concepts and components by examining and analyzing the story "The Neighbors". In this article, we focus on Components such as the negation of totality, comprehensiveness, the denial of the integrated identity of the individual and the community, invalidation of ideology, denial of fixed and objective truth ... It has been emphasized as the components of postmodern. The result obtained is that attention to social themes, indigenous and regional identity, along with characteristics such as breaking traditional laws and rules, combining and intersecting cultures, combining reality and fantasy, etc., constitute the most important components of Ahmad Mahmoud's fictional literature influenced by postmodernism and the Southern School in the story "Neighbors."

**Key words:** Postmodern, South School, Ahmed Mahmoud, Neighbors

### **Sources and references**

#### **Books**

- ۱-Asadi, Koresh and Gholamreza Rezaei (۲۰۱۸) **darich gonob**, Tehran: Nimage.
- ۲-Anoushe, Hassan (۱۹۸۷) **Dictionary of Persian Literature**, Tehran: Printing and Publishing Organization
- ۳-Bi Niaz, Fethullah (۲۰۱۴) **an introduction to the story writer and narratology**, Tehran: Afraz
- 4-Carlioni, J.S. and others (۱۹۸۹) **literary criticism**; pazashk noshin; Tehran: Islamic Revolution Publication and Education

---

<sup>1</sup> -Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. Email: Fereshteh.mousai57@gmail.com

<sup>2</sup> -Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Shoushtar Branch, Islamic Azad University Shoushtar, Iran. (Corresponding Author). Email: drftahmasbi@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shoushtar Branch, Islamic Azad University Shoushtar, Iran. Email: Shabnam.Hatampour@iau.ac.ir

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. Email: sorkhifarzane@gmail.com

- ۵-Gary, Martin (۲۰۱۲) **Dictionary of Literary Terms**, translated by Mansoura Sharifzadeh, Tehran: Humanities Research Institute
- ۶-Golshiri, Ahmed (۲۰۲۱) **Story and Criticism of Story**, Tehran: Negah
- ۷-Golestan, Laili (۲۰۰۶) **Hakait Hal** (conversation with Ahmad Mahmoud), Tehran: Moin
- ۸-Mir Abdini, Hassan (۲۰۰۸) **One hundred years of Iran's story**, Tehran: Cheshme.
- ۹-Mirsadeghi, Jamal (۱۹۸۱) **fiction literature**, Tehran: Mahor.
- ۱۰ ----, ----- (۲۰۱۱) **Story writing guide**, Tehran: Sokhan Publications
- ۱۱-Mirsadeghi, Jamal and Maymant Zulqader (۱۹۹۸) **Dictionary of the art of story writing**, Tehran: Mahnaz book.
- ۱۲-Mahmoud, Ahmed (۱۹۷۸) **Neighbors**, Tehran: Amir Kabir
- ۱۳-Mastor, Mustafa (۲۰۰۴) **Basics of Short Story**, Tehran: markaz.
- ۱۴-Payandeh, Hossein (۲۰۱۰) **Short stories in Iran**, Tehran: Nilofar
- ۱۵ ----, ----- (۲۰۲۳) **Novel theories** (from realism to postmodernism), Tehran: Nilofar
- ۱۶ ----, ----- (۲۰۱۴) **Criticism discourse**, Tehran: Nilofar
- ۱۷-Rahmani, Seyyed Ahmad (۲۰۰۴) **Western Studies**, Qom: Imam Khomeini
- ۱۸-Soqzadeh, Maryam (۲۰۱۳) **Climatic literature in the works of Ahmad Mahmoud**, Tehran: Tandis
- ۱۹-Shamisa, Siros (۲۰۰۶) **Literary criticism**, Tehran: Mitra
- ۲۰-Taslami, Ali (۲۰۱۶) **Applied Critical Research in Literary Schools**, Tehran: Ame
- ۲۱ ----, ----- - (۲۰۰۹) **Propositions in contemporary literature** (fiction), Tehran: Ame.
- ۲۲-Tadin, Mansoura (۲۰۱۷) **The Lost Traveler of Time** (Twenty Speeches in a Novel and Short Story), Tehran: Khojaste
- ۲۳ ----, ----- - (۲۰۰۹) **Postmodernism in Iranian Fiction**, Tehran: almi
- ۲۴ ----, ----- (۲۰۰۸) **Story elements**, Tehran: Sokhn .
- ۲۵-Ward, Glenn (۱۹۹۷) **Postmodernism**, Qadir Fakhr Ranjbari and Abuzar Karmi (۲۰۱۳). Tehran: Mahi.

#### Article

- ۱-Asadi, Hassan (۱۹۷۹), "Introduction to Southern Literature", Nagin Magazine, March, No. ۱۶۹, pp. ۴۹-۴۷.
- 2- Faghani, Sonia (2022) "Analysis of story elements in Postchi's novel with an emphasis on the structural elements of the plot" Scientific Quarterly Journal of Comparative Literature, No. ۲۲, p. ۱۹۹
- 3-mohtram Farjian, Manijhe (۲۰۱۷) "A comparative study of the decline of the storyteller's narration in Gypsy by the Fire and.." Scientific Quarterly Journal of Comparative Literature, No. ۴, p. ۹
- 4- Qarabaghi, Ali Asghar (۲۰۰۷) "Genealogy of Postmodernism (۱)" Golestaneh magazine, number ۷. July
- 5- Qarabaghi, Ali Asghar (۲۰۰۷) "Genealogy of Postmodernism (۲)" Golestaneh magazine, issue ۸. Shahrivar

#### تأثیر مؤلفه‌های پست‌مدرن بر داستان‌نویسی مکتب جنوب

- با رویکردی به رمان «همسایه‌ها»ی احمد محمود -

فرشته موسی‌ئی<sup>۱</sup>، فریدون طهماسبی<sup>۲</sup>، شبنم حاتم پور<sup>۳</sup>، فرزانه سرخی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. pakdel\_pakdel63@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسئول) drftahmasbi@yahoo.com

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. Shabnam.Hatampour@iau.ac.ir

<sup>۴</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. sorkhifarzane@gmail.com

## چکیده

پست‌مدرن به معانی ضمنی ابهام و پیچیدگی ترجمه شده است. برخی از نویسندگان ایرانی با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و با قرار گرفتن در جریان فکری این مکتب یا تحت تأثیر ساخت و زبان ویژه پست‌مدرن آثار خود را پدید آورده‌اند. احمد محمود (۱۳۸۱-۱۳۱۰) از جمله داستان‌نویسان مکتب جنوب است که در مسیر تاریخی و سیاسی-ملّی شدن صنعت نفت - این مکتب ادبی و فلسفی قرار دارد. هدف مقاله پیش‌رو بررسی شیوه به‌کارگرفتن مؤلفه‌های پست‌مدرن و تأثیر آن‌ها در داستان همسایه‌ها به‌عنوان اثری اقلیمی از مکتب جنوب نوشته احمد محمود است؛ بر این اساس نویسندگان کوشیده‌اند از رهگذر بررسی و تحلیل داستان همسایه‌ها میزان بهره‌گیری این نویسنده از مفاهیم و مؤلفه‌های پست‌مدرن را تبیین و تلقی خود را از ویژگی‌های ادبیات داستانی پست‌مدرن و مکتب جنوب روشن نمایند. در این مقاله بر مؤلفه‌هایی همچون: نفی کلیت و جامعیت، انکار هویت انسجام یافته فرد و اجتماع، اعلان پایان پذیرفتن و بی‌اعتباری ایدئولوژی، انکار حقیقت ثابت و عینی و... به-عنوان مؤلفه‌های ادبیات داستانی پست‌مدرن تأکید شده است. حاصل آنکه، توجه به مضامین اجتماعی، هویت بومی و اقلیمی همراه با مشخصه‌های از جمله شکستن قوانین و قواعد سنتی، ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها، ترکیب واقعیت و خیال و... مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات داستانی احمد محمود متأثر از پست‌مدرن و مکتب جنوب را در داستان همسایه‌ها تشکیل می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** پست‌مدرن، مکتب جنوب، احمد محمود، همسایه‌ها.

## ۱-مقدمه

این امر که نویسندگان تأثیرپذیر از مکتب -جنبش- پست‌مدرن در جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته ما، تا چه اندازه به فهم درستی از آثار پست‌مدرن دست یافته‌اند، پرسشی است که خود نیازمند پژوهش گسترده‌ای است. اما در آثار ادبی کشور ما پست‌مدرن را بیشتر به خاطر روش عصیان‌گرایانه و تمایل به رد شدن از محدودیت‌ها می‌شناسند. البته «پست‌مدرنیست‌ها» اولین هنرمندانی نبودند که تصمیم گرفتند برخلاف مسیر رودخانه شنا کنند. «رمانتیسیم» و سپس «مدرنیسم» کارکردها و امکان‌پذیر بودن آرمان‌های «عصر روشنگری» را پیش از آن‌ها زیر سوال برده بودند. اما تفاوت اینجاست که هنرمندان «پست‌مدرن» بیش از سایرین، مفهوم بی‌نظمی را مدنظر داشته و به ترکیب و در هم شکستن محدودیت‌ها می‌پردازند.

داستان‌هایی پست‌مدرن هستند که همه یا مواردی از این ویژگی‌ها را دارند، بینامتنی بودن، فراداستان، تقلید نمایی، کنایه، چندپارگی و... این داستان‌ها به‌طور عمده بر روی موضوعات معاصر و مشکلات اجتماعی تمرکز دارند و از روایت‌های غیرخطی و شخصیت‌های پیچیده استفاده می‌کنند. غالباً در داستان‌های پست‌مدرن، نظم داستانی سنتی به چالش کشیده می‌شود و به جای آن، تجربه‌های ذهنی و درونی شخصیت‌ها برجسته می‌شوند.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان این نکته را نیز افزود که ادبیات داستانی هم در طول تاریخ تکوین خود با گذر از دوره‌های مختلف، سه چهره کاملاً متمایز یافته است که عبارت‌اند از داستان‌نویسی سنتی، مدرن و پسامدرن. وقتی نویسندگان تحت شرایط اقلیمی - فرهنگی خاص آثاری خلق کنند، ویژگی‌های مشابهی خواهند داشت که مکتب در آن اقلیم شکل می‌گیرد. مانند مکتب رئالیسم جادویی. به‌طور کلی می‌توان این گونه گفت که از درون اقلیم مکتب احصاء می‌شود. زیرا با بررسی زندگی نویسندگانی که در یک اقلیم بوده‌اند رگه‌ها و نشانه‌هایی از ویژگی‌های یک مکتب را به‌طور روشن می‌توان دید.

سرآغاز شکل‌گیری ادبیات بومی یا اقلیمی در ایران به دهه سی باز می‌گردد. در این دهه به سبب تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، این نوع ادبیات گسترش یافت و در دهه چهل به اوج شکوفایی و پختگی خود رسید. ادبیات اقلیمی در حقیقت مبین نوعی ادبیات است که شاخصه‌های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای معین را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که این شاخصه‌ها نشانه ویژگی‌های این منطقه در مقایسه با سایر مناطق باشد. نویسندگان ادبیات اقلیمی چون از مکان و قهرمانان واقعی در داستان‌های خود استفاده می‌کنند سبک رئالیسم را برای آثار خود برگزیدند.

### ۱-۱- بیان مسئله

از جمله نهضت‌ها و جنبش‌های مهم و تأثیرگذار چند دهه اخیر در ادبیات داستانی نویسی پسامدرنیسم است که از نظر تاریخی - فرهنگی مرحله‌ای از گسترش مدرنیته است. پسامدرنیسم مفهومی تعریف‌گریز و متکثر است. با این وجود داستان‌های پسامدرن چه در ساخت و چه در زبان، مؤلفه‌های ویژه‌ای از جمله «فرم‌زدایی» از صورت‌های معهود، آشنایی‌زدایی در حوزه پردازش شخصیت‌ها، پیرنگ تازه و ذهنی، واردکردن ساحت ناخودآگاهی در متن و برجسته‌سازی دلالت‌های آن، تمرکز بر استعارات دلالت‌گر، خلق فضای شعرگونه، بازی‌های زبانی، چند روایتی شدن اثر، غیر خطی بودن عنصر زمان و مکان، ایجاز در متن، پیرنگ‌های استعاری، فردگرایی، سمبل‌سازی و نمادپردازی و تلاش برای خلق دلالت‌های ثانوی تخیل و توهم دارد که باعث تمایز آن با دیگر مکاتب ادبی می‌شود. اما عمده مؤلفه‌های پسامدرنیسم را بدین‌گونه می‌توان برشمرد: «محتوای وجودشناسانه»، «اتصال کوتاه»، نداشتن «طرح» یا «پیرنگ»، «بازی‌های زبانی»، «عدم قطعیت» و «عدم حتمیت»، «بی‌نظمی زمانی در روایت رویدادها»، «اقتباس»، «تداعی نامنسجم اندیشه‌ها»، «تناقض»، «جابه‌جایی»، «فراداستان»، و... «(ر.ک: بی‌نیاز: ۱۳۹۴، ۲۳۵-۱۸۱).

مکتب داستان‌نویسی جنوب آثار نویسندگانی را دربردارد، که در خطه جنوب و جنوب‌غربی ایران زیسته‌اند، یا در حال و هوای این مناطق می‌نویسند. این آثار دارای ویژگی‌های خاصی هستند، که آن را با سبک‌های ادبی دیگر معاصر متمایز می‌کند. «داستان‌نویس جنوبی، همواره با یادآوری عینیت‌ها، به خواننده کمک می‌کند تا بر موضوع احاطه یابد؛ یعنی در فرجام به واقعیت برمی‌گردد» (انوشه: ۱۳۷۶، ۳۸). در این پژوهش به بررسی سبک نویسندگان مکتب جنوب از منظر مؤلفه‌های پسامدرن می‌پردازیم.

### ۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

احمد محمود به‌عنوان یک داستان‌نویس معاصر در برخورد با شرایط اجتماعی عکس‌العملی خاص از خود نشان داده است و سعی در بیان آن در داستان‌های خود داشته است. این روش برخورد با ادبیات داستانی اهمیت آثارش را به‌عنوان آثاری اقلیمی دو چندان کرده است. نویسندگان این مقاله با توجه به این خصوصیت فکری، ضمن بررسی مکتب جنوب سعی در تحلیل رمان «همسایه‌ها» به‌عنوان اثری متأثر از مکتب جنوب و مکتب پست‌مدرن داشته‌اند.

### ۳-۱- پیشینه پژوهش

با عنایت به جستجوهای انجام شده مقاله یا کتابی که به‌طور مستقیم و مستقل به بررسی مؤلفه‌های پست مدرن در رمان همسایه‌ها پرداخته باشد یافت نشد لیکن برخی مقالات که به شکلی عمومی و کلی به بعضی از مؤلفه‌های یاد شده در متن اشاره داشته‌اند به شرح ذیل معرفی می‌شود.

مقاله «نقد مارکسیستی رمان همسایه‌ها، احمد محمود»، آرزو شهبازی و مریم حسینی، همایش هفتم پژوهش‌های ادبی (دانشگاه هرمزگان، اسفند ۱۳۹۲)، در این مقاله، رمان همسایه‌ها، از منظر مارکسیستی و با توجه به آرای گیورک لوکاچ نقد و بررسی شده است.

مقاله «نقد ساخت‌گرایی تکوینی رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود»، آرزو شهبازی، مریم حسینی و عسگر عسگری حسنکلو، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی (بهار ۱۳۹۳، شماره ۳، صص ۹۱-۶۶) در این مقاله، رمان همسایه‌ها از منظر «ساخت‌گرایی تکوینی» لوسین گلمان و «شناخت‌شناسی» پیازه نقد و تحلیل شده است.

مقاله «خوانش لاکانی امر سیاسی در رمان همسایه‌ها»، فاطمه حیدری و میثم فرد، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (تابستان ۱۳۹۳، شماره ۱۶، صص ۶۶-۴۳) در این مقاله، رمان همسایه‌ها از منظر «امر سیاسی» و روانکاوی ژاک لاکان بررسی شده.

مقاله «سنت و مدرنیته در رمان همسایه‌ها»، مهود فاضلی و فاطمه سادات حسینی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲۷، صص ۱۴۵-۱۳۱) در این نوشتار، تقابل سنت و مدرنیته در رمان همسایه‌ها، بررسی شده.

مقاله «شخصیت‌پردازی در رمان همسایه‌ها»، محمدعلی آتش‌سودا و امید حریری جهرمی، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، (پاییز ۱۳۸۹، پیش‌شماره ۱، صص ۲۸-۹) نویسندگان در این مقاله، شخصیت‌پردازی رمان همسایه‌ها را از دیدگاه ادبی بررسی کرده‌اند.

مقاله «بررسی تطبیقی رمان «همسایه‌ها» اثر احمد محمود و «دختر رعیت» از دو دیدگاه ساختاری و محتوایی»، الهام عابدی و محسن ایزدیار، اندیشه‌های ادبی، (۱۳۹۱، شماره ۱۲، صص ۱۵۴-۱۲۹) این نوشتار، دو اثر همسایه‌ها و دختر رعیت را از نظر ساختار (پیرنگ، شخصیت‌پردازی، زبان و مکان و نثر و زبان) و در بستر رئالیسم بررسی کرده.

مقاله «بازتاب نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی در دو رمان «همسایه‌ها» احمد محمود و «عمارت یعقوبیان»» علا اسوانی، مینا عابدینی و همکاران، نشریه ادبیات تطبیقی، (زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۱، صص ۲۲۸-۲۱۱) نویسندگان رمان احمد محمود را، با توجه به نقد مارکسیستی، نابرابری و شکاف طبقاتی بررسی کرده‌اند.

### ۴-۱- روش پژوهش

این تحقیق براساس روش توصیفی و تحلیلی نوشته شده است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، از منابع کتاب‌خانه‌ای، مجلات معتبر (پژوهشی) استفاده شده است.

### ۵-۱- مبانی تحقیق

#### ۱-۵-۱- بررسی سبک پست مدرن

داستان پست‌مدرن یکی از جریان‌های ادبی است که در قرن بیستم شکل گرفت. این جریان ادبی برخلاف داستان‌های سنتی، از قوانین و قواعد سنتی داستان‌نویسی خارج می‌شود و به جای آن از تکنیک‌ها و سبک‌های نوین استفاده می‌کند. در داستان پست‌مدرن، زمان و مکان معمولاً مبهم و غیرقابل تشخیص است و روایت به‌صورت

غیرخطی و پرشی انجام می‌شود. برای اینکه بتوانیم تعریفی از پست‌مدرنیسم داشته باشیم با وجود اینکه هنوز تعریف مشخصی با توجه به ماهیت چندگانه آن وجود ندارد، باید ابتدا به اصول و مبانی آن بپردازیم که عبارتند از:

«اصل اول پست مدرن آنگونه که ریچارد رورتی، یکی از قطب‌های مورد پرستش مدرنیست‌ها اعتقاد دارد، هیچ چیز، طبیعت ذاتی و فطری ندارد که بتواند به شرح و بیان در آید و هر چیز حاصل زمان و تصادف است و پس یکی از اصول پست مدرنیسم انکار حقیقت است و همه چیز را نسبی می‌داند» (قره‌باغی، ۱۳۸۷: ۴۵).

«اصل دوم پست‌مدرنیسم انکار واقعیت است بر آن است که هیچ واقعیتی وجود ندارد و انسان در پس پشت چیزها همان را می‌بیند که می‌خواهد ببیند» (همان‌جا).

«اصل سوم پست مدرنیسم استوار بر این است که انسان به جای واقعیت، با یک وانمودگر روبروست. پست مدرنیسم همه جهان را به چشم یک بازی ویدیویی می‌نگرد که در آن هر انسان یکی از فیگورهای این بازی است. از یک گوشه‌ای به گوشه‌ی دیگر می‌دود، پایین و بالا می‌پرد. در زمین و فضا می‌جنگد و تمامی زندگی او نه بر اساس واقعیت که بر شالوده‌الگوها و ماندسازهای و ایماژها و بازنمایی‌هایی بنا شده است» (همان‌جا).

«اصل چهارم پست‌مدرنیسم استوار بر بی‌معنایی است. در جهانی تهی از خرد و حقیقت، جایی که هیچ علم و دانشی معتبر نیست و واقعیتی وجود ندارد و زبان تنها پیوند باریک و لطیف با زندگی و هستی است، بسیار طبیعی خواهد بود که معنا هم معنایی نداشته باشد. امبرتو اکو، در کتاب آونگ فوکو (۱۹۸۹) نشان داد که جهان چیزی نیست جز یک پیاز ساده و اگر آن را لایه به لایه و اساسی کنیم سر انجام چیزی جز هیچ باقی نخواهد ماند» (همان‌جا).

«شک‌اندیشی اصل پنجم پست مدرنیسم است و ناگفته پیداست که در آن هیچ نظریه و مطلق‌اندیشی و هیچ تجربه‌ای، ارزش و اعتبار نخواهد داشت باید به هر چیز شک کرد و هیچ چیز را نباید به تمامی پذیرفت» (همان: ۴۶).

## ۲-۵-۱- ادبیات اقلیمی و پست مدرن

ادبیات اقلیمی و ادبیات پست‌مدرن در دو محیط فرهنگی و جغرافیای متفاوت بروز یافته‌اند. با این وجود برخی نویسندگان ایرانی متأثر از شیوه پست‌مدرن بوده‌اند. ادبیات اقلیمی به ادبیاتی اطلاق می‌شود که به شکل گسترده‌ای در یک منطقه جغرافیایی خاص توسعه یافته است و تأثیر قوی اقلیم و محیط طبیعی بر آن دیده می‌شود. این نوع ادبیات به‌طور معمول شامل تصویرسازی زیبایی‌های طبیعی، توصیف جزئیات محیطی و تمرکز بر ارتباط انسان با طبیعت است. «داستان‌های بومی، روستایی، ناحیه‌ای و محلی را که کم و بیش در آن‌ها وجوه فرهنگ، زبان، طبیعت، افکار و عقاید مناطقی خاص منعکس و بلکه غالب است، در شمار ادبیات اقلیمی به‌شمار آورده‌اند» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۴۷). در مقابل ادبیات پست مدرن به جریانی ادبی اشاره دارد که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شکل گرفت و از اصول و قوانین سنتی ادبیات خارج می‌شود. این نوع ادبیات بر تجربه شخصی، شکستن قواعد سنتی و تلاش برای نمایش پیچیدگی‌های زندگی مدرن تمرکز دارد.

ادبیات پست‌مدرن معمولاً شامل الگوشکنی زبانی، تجزیه و تحلیل اجتماعی و تأمل در مفاهیم فلسفی است. نمونه‌هایی از ادبیات پست مدرن می‌توانند شامل رمان‌ها و شعرهایی با سبک غیرخطی و غیرمعمول باشند. به‌طور خلاصه، ادبیات اقلیمی و ادبیات پست‌مدرن دو جریان ادبی متفاوت هستند که هر کدام با تأکید بر عوامل مختلفی مانند اقلیم و محیط طبیعی یا تجربه شخصی و پیچیدگی‌های زندگی مدرن، به شکل خاصی در ادبیات بروز می‌یابند. (ر.ک: تسلیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۵-۴۰۹).

در همه فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌های ادبی در تعریف داستان اقلیمی عموماً بر وجود عناصر مشترکی همچون: فرهنگ و معتقدات مردمی، آداب و رسوم و ویژگی‌های محیط طبیعی و بومی تأکید شده است و در تعریف آن گفته اند: «داستانی است که در صحنه و زمینه آن، غالباً آداب و رسوم و سنت‌ها، لهجه و گفتار محلی، پوشش‌ها، فولکلور و

حتی شیوه‌های تفکر و احساس مردم یک منطقه نشان داده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که این عناصر، متمایز و مشخص کننده یک اقلیم خاص‌اند» (ر.ک: گری، ۱۳۸۲: ۲۳۲؛ میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۳۴۹).

به‌طور خلاصه ادبیاتی اقلیمی است که در آن به آداب و رسوم اجتماعی، سنت‌ها، عادت‌های طبقات معینی از جامعه، توصیف مختصات زبان و زیستگاه و همچنین به مختصات جغرافیایی و ناحیه‌ای اشاره می‌شود. در کل داستان‌های اقلیمی به علم مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و همچنین تاریخ کمک بسیاری می‌کند.

### ۳-۵-۱- مکتب جنوب

مکتب ادبی جنوب ایران شامل چندین جریان ادبی مختلف است که در مناطق جنوبی ایران توسعه یافته‌اند. این مکاتب شامل: مکتب بوشهری، مکتب هرمزگانی، مکتب خوزستانی و مکتب سیستانی می‌شوند. هر یک از این مکاتب ادبی ویژگی‌ها و سبک‌های خاص خود را دارند که به تاریخ و فرهنگ منطقه مربوط می‌شوند. «این مکاتب ادبی به‌طور گسترده از زبان فارسی و گاهی اوقات از زبان‌های محلی استفاده می‌کنند و از موضوعاتی مانند طبیعت، فرهنگ و تاریخ منطقه الهام می‌گیرند» (ر.ک: سقازاده، ۱۳۹۳: ۶۵-۳۸).

از ویژگی‌های مهم مکتب ادبی جنوب ایران، تمرکز بر موضوعات مرتبط با طبیعت و محیط زیست است. «نویسندگان این مکتب ادبی به‌طور گسترده از تجربیات و زندگی روزمره در مناطق جنوبی ایران الهام می‌گیرند و آن را در آثار خود به تصویر می‌کشند. موضوعاتی مانند: نفت، دریا، جنگل، کویر و حیات وحش از جمله موضوعات مورد علاقه نویسندگان این مکتب ادبی هستند. علاوه بر این، زبان و ادبیات محلی نیز در آثار مکتب ادبی جنوب ایران تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد» (ر.ک: سقازاده، ۱۳۹۵: ۷۵-۴۵).

نویسندگان این مکتب از اصطلاحات و عبارات محلی استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند تا جنبه‌های فرهنگی و زبانی منطقه را در آثار خود به نمایش بگذارند. همچنین، مکتب ادبی جنوب ایران به توسعه و ترویج ارزش‌های مرتبط با انسانیت و اجتماعیت نیز توجه ویژه‌ای دارد. آثار این مکتب ادبی به مسائل اجتماعی، انسانی و اخلاقی می‌پردازند و سعی می‌کنند تا از طریق ادبیات، افکار و ارزش‌های مثبت را در جامعه ترویج دهند. به‌طور کلی، مکتب ادبی جنوب ایران با تمرکز بر موضوعات طبیعت، استفاده از زبان و ادبیات محلی و ترویج ارزش‌های انسانی، یک جریان ادبی منحصر به فرد است که به توسعه و ارتقاء فرهنگ و ادبیات جنوب ایران کمک کرده است.

### ۴-۵-۱- پیوند مکتب جنوب با شیوه پردازش به شگردهای پست‌مدرن

همان‌گونه که اشاره شد ادبیات اقلیمی و پست‌مدرن در دو محیط فکری و جغرافیای متفاوت ظهور کرده‌اند؛ اما پیوندهای هم در بیان شیوه داستان‌پردازی مکتب جنوب و شگردهای پست‌مدرن وجود دارد. «پسامدرنیسم معتقد به استفاده از هرچیزی و ترکیب آن‌هاست هرچند ناساز و بی‌ربط باشند... در نوشته‌های پست‌مدرنیستی انواع ادبی از هم منفک و متمایز نیستند... بین فرهنگ خواص و عوام مرزی نیست» (تدین، ۱۳۸۸: ۱۰۵). توجه هر دو مکتب به مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی در قالب بیان احساسات درونی و بیان معضلات اجتماعی و همچنین تاریخ، مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک این دو مکتب است. اگر چه به ظاهر پست‌مدرن هرگونه قالب‌بندی را نفی می‌کند اما وجود این ابزارهای مشترک با ایجاد فضای گفت‌وگو محور و بیان نظرات گوناگون فکری و سیاسی در قالب شخصیت‌های گوناگون یا راوی داستان این دو مکتب را به هم نزدیک کرده. تکنیک‌هایی از قبیل: تقلید از سبک نویسندگان دیگر، توجه به مضامین اجتماعی، هویت بومی و اقلیمی همرا با مؤلفه‌های از جمله شکستن قوانین و قواعد سنتی، ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها، ترکیب واقعیت و خیال و... که ترکیبی از دو ابزار جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی این دو مکتب است را نیز می‌توان نمونه‌های دیگر پیوند این دو مکتب دانست.

## ۵-۵-۱- معرفی داستان همسایه‌ها احمد محمود

داستان «همسایه‌ها» نوشته احمد محمود، درباره زندگی در یک خانه، روابط بین همسایگان و تعاملات روزمره آن‌هاست. در فصل‌های یکم و دوم مکان رویدادها حیات خانه است. رمان «همسایه‌ها» در یک خانه دوری ساز سنتی اتفاق می‌افتد. خانه‌ای که همه‌جور آدم را می‌توان در آن یافت. از قهوه‌خانه‌چی تا قاچاقچی سیگار، از پاسبان تا گاریچی و لحاف‌دوز. اما در فصل سوم مکان رویدادها از درون خانه به پهنه شهر منتقل می‌شود، روابط خالد گسترده‌تر می‌شوند، از یک‌سو، با آدم‌های سیاسی به نام‌های «شفق» و «پندار» و «بیدار» و دکتر آشنا می‌شود و از سوی دیگر، با دختری که در رمان از او به «سیه‌چشم» نام برده می‌شود.

محمود در این داستان با به تصویر کشیدن زندگی مردم در یک محله شلوغ سعی می‌کند به شکلی واقع‌گرایانه و طنزآمیز، موضوعاتی مانند دوستی، همبستگی، تعارضات و مشکلات روزمره همسایگان را به تصویر بکشد. رویدادهای رمان همسایه‌ها با ایجاد تصاویری هماهنگ با واقعیت (واقع‌گرایانه) از محله‌ها، خیابان‌ها و رودخانه کارون اهواز شکل می‌گیرد. ثبت وقایع سیاسی شدن شخصیت اصلی داستان به موزات شکل‌گیری زندگی جنسی وی از یک سو و تحولات سیاسی مملکت از سوی دیگر، جنبش ملی شدن صنعت نفت و محبوبیت روزافزون مصدق همه از جذابیت‌های داستان احمد محمود است. البته نویسنده رمان تنها بازتاب این وقایع را در زندگی مردم طبقه پایین اجتماع نشان می‌دهد و اشاره مستقیمی به آن‌ها ندارد. «از نظر ادبیات پست‌مدرنیستی، تاریخ آن چیزی نیست که ما از گذشته می‌شناسیم، بلکه این تاریخ، خود طرح (پیرنگ) داستانی دارد» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۲۱۷).

عنصر زمان در داستان همسایه‌ها با بهره‌گیری از روش‌های خاص از جمله تداعی، جریان سیال ذهن، خاطره و... از حالت تقویمی خارج می‌گردد. راوی داستان که نوجوانی به نام خالد است در خانه‌ای فقیرانه و شلوغ در جنوب شهر اهواز با پدر، مادر و خواهرش روزهای پرتب و تاب بلوغ را طی می‌کند. به همین دلیل است که نویسنده در ابتدای رمان تصاویری از تجربه‌های جنسی این نوجوان را بیان می‌کند؛ اما به تدریج همراه با بزرگ شدن خالد و توجه او به مسائل سیاسی و اجتماعی این تصاویر جای خود را به شرح رویدادهای سیاسی و اجتماعی می‌دهند. راوی، نوجوان اهوازی که آیه‌الکرسی را بی‌غلط می‌خواند. تا کلاس چهارم بیشتر نخوانده؛ پدر مذهبی و خرافاتی‌اش «اوسا حداد» از «حاج شیخ علی» شنیده، «درس خواندن زیاد آدم را سربه‌ هوا می‌کند.» یکی از اتاق‌های خانه‌ای دنگال در محله‌ای فقیرنشین جایی است که خالد کنار مادر بساز و خواهر کوچک‌ترش با نداری پدر روزگار می‌گذرانند، با دلخوشی‌های فقیرانه از کفترپرانی روی پشت‌بام و رفتن به قهوه‌خانه آقا امان و شنیدن آواز، داستان‌های حبس گرفته تا آب‌بازی در حوض وسط حیاط با «بانو» دختر چروکیده و دودی «آفاق».

بوی تریاک «خواجه توفیق»، رفت و بازگشت هر روزه الاغ‌های «رحیم خرکچی» نماز خواندن‌های «عمو بندر»، جدل‌های «محمد مکانیک» با همسایه‌ها و تمسخر عقاید دینی و خرافی‌شان، همه در میان فریادهای بلورخانم از مکررات این حیاط است که خواننده با نگاه تیزبین خالد درگیرشان می‌شود. بلورخانم با نشان دادن جای ضربات کمر بند «امان آقا» روی بدنش، چشم و گوش خالد را بازتر می‌کند تا اولین خیز بلوغ را بردارد.

اما قدم بعدی در نمو اجتماعی سیاسی خالد، با کشیده شدن پایش به کلانتری به جرم شکستن شیشه پنجره خانه «غلامعلی خان» اتفاق می‌افتد. خالد به جرم گناه نکرده به زندان می‌فتد تا با «شفق» و شعار «صنعت نفت باید ملی شود» آشنا شود و بلوغ اجتماعی او در بستری سیاسی تاریخی جریان یابد. خالد بعد از آزادی از حبس کوتاه مدت، به پخش اعلامیه‌های ضداستعماری و همکاری با شفق و گروه‌اش رو می‌آورد. به این ترتیب، با واژه‌های جدیدی مانند «استعمارگر خونخوار» و مبارزات سیاسی آشنا می‌شود. در اغتشاشات خیابانی و فرار از دست مأموران به واسطه ضرب‌دیدگی پای‌اش با «سیه‌چشم»؛ دختری از طبقه مرفه آشنا می‌شود تا بهانه‌ای باشد



که خالد معنی عشق واقعی را بچشد و از ورطهٔ وسوسه‌های بلور خانم و فساد اخلاقی رهایی یابد. خالد دوباره به زندان می‌افتد، این بار به جرم پخش اعلامیه‌های سیاسی. طی فعالیت‌های سیاسی، شکنجه و حبس انفرادی و زندگی در کنار مجرمین باسابقه را تجربه می‌کند و مرحله‌ای از بلوغ سیاسی و اجتماعی را پشت سر می‌گذارد. خالد از زندان مستقیماً به سربازی فرا خوانده می‌شود و نقش قهرمان شکست‌خورده داستان را می‌پذیرد. پایان ناتمام همسایه‌ها وسوسه‌ای می‌شود برای خواننده و دست نویسنده را هم باز می‌گذارد تا داستان تحول شخصیت خود را در داستان‌های بعدی یعنی «داستان یک شهر» و داستان «بازگشت» روایت کن.

## ۲-۲-۲ بحث و بررسی

مبانی داستان پست‌مدرن در داستان همسایه‌ها شامل: تجربهٔ شخصی و زمان‌های متعدّد، حضور راوی در داستان، اعلان پایان پذیرفتن و بی‌اعتباری ایدئولوژی، شکستن قوانین و قواعد سنتی، ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها، ترکیب واقعیت و خیال، تمرکز بر شخصیت‌های ضعیف و مردم عادی، فراداستان، عدم قطعیت (شک، جهان شایدها) و... می‌شود که در این بخش مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### ۲-۱-۲ شگردهای پست‌مدرنیستی

#### ۲-۱-۱-۲ بررسی شگردهای پست‌مدرنیستی در داستان همسایه‌ها

پست‌مدرن را نمی‌توان به یک یا چند ویژگی خاص محدود کرد؛ در حقیقت، یکی از مشخصه‌های اصلی آن، این ایده است که مفاهیم و موضوعات را نباید به صورت انفرادی، بلکه به‌عنوان بخشی از یک مجموعه در نظر گرفت. با این حال، مشخصه‌های تکرار شونده‌ای در متون و آثار «پست‌مدرن» به چشم می‌خورد که می‌تواند در درک بهتر آن به ما کمک کند که در ادامه به شکل کامل بدان پرداخته خواهد شد.

رمان «همسایه‌ها» دارای مجموعه‌ای خاص از اصول و مفاهیم مکتب پست‌مدرن است که می‌توان آن را در زمرهٔ آثار پست‌مدرنیستی قلمداد کرد، رمان در چارچوب کلی خود دارای عدم قطعیت و فرجام نامشخص است که یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های چنین آثاری است. نویسنده در رمان همسایه‌ها بسیاری از خطوط داستانی از جمله آن‌ها ماجرای عاشقانه سیه‌چشم را به نتیجه نمی‌رساند و روند رشد شخصیت خالد فقط با اشاره به هجده ساله شدن او (البته همراه با یک اتفاق) ناتمام می‌ماند.

وجود عناصری از قبیل حضور راوی در داستان-فراداستان- استفاده از زبان غیرمعمول، شکستن قواعد سنتی نثر، تجسم احساسات پیچیده و متناقض و به چالش کشیدن نظریات و ایدئولوژی‌های سنتی، تداخل روایت‌های متعدد در موضوع اصلی، بافت باز و گشاده و حوادث و شخصیت‌های متعدد، رمان «همسایه‌ها» را به ساحت پست‌مدرن نزدیک کرده است. «در ادبیات مدرنیستی، داستان، روایت رسیدن به هویت است و شخصیت در هر قدم بیشتر به آن نزدیک می‌شود، اما در نهایت آنچه به دست می‌آورد، تصویری پراکنده و نامعلوم است؛ ولی داستان ادامه می‌یابد. البته این روند به فرجام مشخصی نمی‌رسد و همچنان هویت نامشخص باقی می‌ماند و داستان به پایان نمی‌رسد» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۲۲۶). نکته اینکه در کنار موضوعات فوق‌الذکر نگاه بومی‌گرا و اقلیم‌گرای محمود در خلق همسایه‌ها در حقیقت نشان از وابستگی شدید به دیدگاه جامعه‌شناسانهٔ او در خلق این اثر دارد.

### ۲-۱-۲-۲ تجربهٔ شخصی و زمان‌های متعدّد

پست‌مدرنیسم به تجربه شخصی هنرمندان و نویسندگان توجه می‌کند. این شکل از روایت در واقع وجه شباهت ادبیات اقلیمی و پست‌مدرن است. این جریان به دنبال نشان دادن چندین زمانه در یک اثر هنری است. این اصل از مبانی پست‌مدرن نزدیکی خاصی با زبان و شیوه شخصیت‌پردازی احمد محمود در همسایه‌ها به‌عنوان یک نویسنده اقلیمی دارد... در واقع در رمان همسایه‌ها ما با نوعی از روایت تاریخ در قالب داستان روبرو هستیم. (محمود، ۱۳۵۷: ۲۳۱).

آتکای احمد محمود بر بوم، زیست و اقلیم بر منطقه‌ای استوار است که خود در آن بستر و خاستگاه متولد و رشد کرده، «من جوانی، نوجوانی و کودکی‌ام را در خوزستان گذرانده‌ام به‌نظر من جنوب و به‌خصوص خوزستان سرزمین حوادث بزرگ است. نفت، مهاجرت و مهاجرپذیری خوزستان، صنعت و کشاورزی، رودخانه‌های پرآب... آدم‌های مختلف که از اقصی نقاط مملکت آمده‌اند و در آنجا با هم امتزاج پیدا کرده‌اند... من خصوصیات مردم جنوب را می‌شناسم و به هر حال جنوب برای من وزن بیشتری دارد» (گلستان، ۱۳۸۶: ۲۶).

نمونه از تعدد زمان و پرش نویسنده در زمان و ایجاد فضای خاص و متفاوت از داستان همسایه: «می‌کشمت... صدای پندار است... محیط وحشت ایجاد میکنن... صدای جوان ریزه نقش است... با این تیغ، شارگتو می‌زنم... مچش را می‌گیرم. حالا صدای مادرم است... به جوونی خودت رحم کن... قهقهه عنکبوت تو گوشم می‌پیچد... وختی چشم وا می‌کنی که کار از کار گذشته... هر دو تقلا می‌کنیم. به هم پیچیده‌ایم. با لگد به در آهنی می‌کوبم و فریاد می‌زنم درو باز کنین...» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۰۰). راوی در قسمتی از داستان به طور دقیق اشاره‌ای تقویمی به تاریخ هم دارد: «بیست و پنج خرداد ماه یک هزار سیصد و سی و یک، از زندانیان بند سوم، به ریاست محترم زندان...» (همان: ۴۴۲).

### ۳-۱-۲- حضور راوی در داستان

شالوده یک متن ادبی بر «روایت» بنا شده است. روایت در درک درست خواننده از داستان نقش اصلی را ایفا می‌کند و به اندیشه خواننده در شناخت متن یاری می‌رساند. «بنیادی‌ترین عنصر داستان روایت است» (مستور، ۱۳۸۴: ۸). به‌طور کلی پایه شکل‌گیری داستان بر مبنای کسی است که داستان را تعریف می‌کند.

روای در داستان همسایه‌ها چند خصوصیت خاص دارد که شکل تکاملی شخصیت داستان، کاربرد واژه‌های عامیانه در بخشی از داستان، شکل نمایشنامه‌ای و محاوره‌ای بودن -دیالوگ‌ها- گفت‌وگوها و استفاد از اصطلاحات بومی و محلی از مهم‌ترین آن‌هاست. «نویسندگان امروز در پی نشان دادن شرایط زندگی و موقعیت آدمی و نیز خلق جهان ممکن، دریافته‌اند که برخی ابزارهای آنان کارایی خود را از دست داده‌اند و دیگر به کاری نمی‌آیند. آنان هرچه بیشتر از واقعیت عینی، رئالیسم، معانی نمادین، تاریخ، پیرنگ، حادثه و تسلسل رویدادها روی گرداندند و درک ذهنی روایتگر را به‌عنوان تنها واقعیت تضمین شده داستان پذیرفتند. بدین ترتیب بود که شیوه روایت‌گر دانای کل برای آنان به‌صورت ابزاری فرسوده درآمد و حتی ابداع «روایت‌گر پنهان» نیز نتوانست کاستی‌های آن را از میان بردارد... به‌دنبال یافتن شیوه‌های بهتر، رفته‌رفته شیوه اول شخص با تغییرهایی مقبولیت زیادی یافت. این شیوه که من ذهنی یا اول شخص ذهنی نام گرفته مرزهای داستان‌نویسی را توسعه بخشید. در این شیوه، روایت‌گر و اول شخص یکی است و رویدادها از چشم او گزارش می‌شوند بی‌آنکه نویسنده به درستی یا نادرستی آن‌ها کاری داشته باشد» (ر.ک: گلشیری، ۱۴۰۰: ۲۳۱).

در داستان همسایه‌ها، با رمانی شخصیت‌محور (راوی محور) مواجه می‌شویم که در نقطه مرکزی حوادث و جریانات قرار می‌گیرد و روند تحولات رو به رشد. «خالد» مابین نوجوانی و جوانی در پس‌زمینه هیجانانگیز و اتفاقات جامعه هم‌سو می‌شود و تا جای که ضرب آهنگ زبان راوی نیز دست‌خوش و متأثر از همین دگرگونی‌های درونی شخصیت اول داستان می‌شود. البته در ادامه با توضیح فراداستان بیشتر به آن خواهیم پرداخت. در کل «شخصیت‌ها در رمان

پسامدرن ماهیت متنی دارند» (فرجیان، ۱۳۹۷: ۹) به‌طور مثال گفت‌وگوی درونی راوی با خود و پیش بردن داستان همراه با شکستن قواعد نثر و استفاده از زبان غیرمعمول و... را ببینید: «چی‌ه؟/ بهش می‌گویم گشمنه... خدا عمه تو بیمارزه... می‌خندد و ادامه می‌دهد هنوز از گرد راه نرسیده غذا می‌خواد... از دندان‌های زرد و درازش دلم به هم می‌خورد. چشمانم را روهم می‌گذارم و می‌گویم/ آخه من دو روزه غذا نخوردم... باز می‌خندد و می‌گوید...» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۴۸).

در رمان همسایه‌ها با شکل روایت توصیفی داستان از زبان راوی (خالد) داستان روبرو هستیم که از درون فضای داستان در حال روایت شدن است زیرا راوی شخصیت اول داستان نیز هست. «باز فریاد بلور خانم تو حیاط دنگال می‌پیچد. امان آقا کمر بند چرمی را کشیده است به جانش. هنوز آفتاب سر زنده است. با شتاب از تو رختخواب می‌پریم و از اتاق میزیم بیرون. مادرم تازه کتری را گذاشته است رو چراغ. تاریک روش است. هوا سرد است. ناله بلور خانم حیاط را پر کرده است. نفرین و ناله می‌کند. مرده‌ها و زنده‌های امان آقا را زیر و رو می‌کند. بعد، یک‌هوا در اتاق به شدت باز می‌شود و بلور خانم پرت می‌شود بیرون» (همان: ۱۱).

همان‌گونه که در مقدمه و مبانی تحقیق بیان شد داستان پست‌مدرن نوعی داستان است که از قوانین و ساختارهای سنتی داستان‌نویسی خارج می‌شود و از رویکردهای نوآورانه و غیرخطی برای روایت داستان استفاده می‌کند. این نوع داستان معمولاً با استفاده از تکنیک‌هایی مانند شکستن زمان، تغییر نقطه نظر و استفاده از زبان غیرمعمول، خواننده را به چالش می‌کشد.

توصیف هول و ولای فعالیت مخفی در فضاهای شهری از نقاط قوت رمان همسایه‌هاست: «باید بروم بازار ماهی فروش‌ها. ضلع جنوبی بازار. نشانه‌ها را بار دیگر به یاد می‌آورم. میانه قد است. سیاه‌چرده است. موی سرش فرفری است. پیراهن لاجوری آستین کوتاه تنش است. شلوارش یشمی تیره است. شست راستش را با پارچه زردرنگی بسته است. هوا دم دارد. هول برم داشته. خیابان دارد خلوت‌تر می‌شود. قلبم می‌زند. اگر قرار باشد خودم را ببازم گیر افتادم حتمی است. فکرم را از چمدان می‌گیرم. قرار تماس را از ذهنم بیرون می‌کنم. تلاش می‌کنم که به سیه چشم فکر کنم اما ممکن نیست. سنگینی چمدان حواسم را به خودش می‌کشد. از حاشیه خیابان می‌روم طرف گاراژ. راه زیادی نیست. حلقم خشک است. جلو گاراژ آب یخ می‌خورم. بعد بلیت می‌گیرم. بعد، چمدان را می‌گذارم تو صندوق عقب اتوموبیل و می‌نشینم رو نیمکت، دفتر گاراژ تا مسافر سواری تکمیل شود» (همان: ۲۵۰).

#### ۴-۱-۲- اعلان پایان پذیرفتن و بی‌اعتباری ایدئولوژی

ایدئولوژی تعاریف گوناگونی دارد و طبعاً نتایج مختلفی هم به بار آورده و می‌آورد. ولی در معنای غالبی که معمولاً استفاده می‌شود بازدارنده است. با نگاهی تاریخی می‌توان این مطلب را بهتر تبیین کرد. در مقطعی از تاریخ ایران برخی افراد- نظیر آخوندزاده- تصور می‌کردند مشکل تاریخی ما با تغییر برخی نمادهای ملی همانند خط الرسم الفبای فارسی رفع خواهد شد. در زمان رضاشاه گفتمان غالب، تأکید بر نوعی خاص از ناسیونالیسم آن هم به شکل افراطی بود. رضاشاه با تکیه بر همین ایده با تزریق مدرنیزاسیون و سرکوب به‌نوعی فرم‌گرایی حکومتی روی آورده بود برخی منتقدین با ارائه همین نوع مثال‌ها ایدئولوژی را عامل ایستایی جامعه معرفی کردند. با توجه به این موارد شاید بتوان به این مؤلفه از پست‌مدرن با نگاه و زاویه خاص در زمان مورد بحث داستان احمد محمود رسید و نگریست.

با توجه به آنچه گفته شد پایان پذیرفتن و بی‌اعتباری ایدئولوژی به معنای عدم قابلیت اعتماد یا عدم صحت یک ایدئولوژی است. این می‌تواند به معنای عدم تطابق با واقعیت‌ها، نقض اصول علمی یا ناقص بودن منطق و استدلال باشد. برای روشن شدن بهتر بحث به بخشی از داستان احمد محمود توجه کنید: «محمد میکانیک نماز نمی‌خواند.

پدرم می‌گوید حتی خندیدن تو صورت محمد مکانیک هم کفاره دارد. خواجه توفیق می‌پرسد همیشه این کتابو دید؟ پدرم جواب می‌دهد میرزا نصرالله گفته کتابو نباید نشون کسی بدم/ بعد تعریف می‌کند... یه روز امتحان کردم... اما محمد مکانیک به این حرف‌ها اعتقاد ندارد. می‌گوید: تو این دنیا هیچی نیست جز همین چیزائی که می‌بینیم... و باز می‌گوید... اسیر همین مزخرفاتیم که همیشه بدبختیم، که همیشه باید مته خر کار کنیم کیفیت رو دیگران ببرن، که همیشه تو سری خور و گشنه هستیم...» (همان: ۲۷).

بی‌اعتباری ایدئولوژی در داستان همسایه‌ها به موارد مختلفی اشاره دارد. احمد محمود از بی‌اعتباری یا ناکارآمدی ایدئولوژی‌های خاص استفاده می‌کند تا به نقد آن‌ها بپردازد. این امر به منظور نشان دادن نقاط ضعف و ناکارآمدی ایدئولوژی‌های سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی است.

در برخی موارد، نویسنده از شخصیت‌ها - محمد مکانیک - یا رویدادهایی همانند ملی شدن صنعت نفت استفاده می‌کند که نشان دهنده بی‌اعتباری یا ناکارآمدی ایدئولوژی‌های خاص باشند. این ممکن است به منظور برجسته کردن تناقضات داخلی شخصیت‌ها یا ناکارآمدی این ایدئولوژی‌ها باشد. به‌طور کلی، بی‌اعتباری ایدئولوژی در رمان همسایه‌ها به‌عنوان یک ابزار برای بیان نقدهای نویسنده درباره ایدئولوژی‌های مختلف استفاده شده. این نقدها ممکن است به منظور تحلیل و بررسی عمیق ایدئولوژی‌ها و تأثیر آن‌ها بر جامعه و افراد باشد.

#### ۵-۱-۲- شکستن قوانین و قواعد سنتی

پست‌مدرنیسم تلاش می‌کند تا با قوانین و قواعد سنتی هنر و ادبیات برخورد کند. این جریان به دنبال نوآوری و تجدید نظر در روش‌ها و فرم‌های هنری است. این قواعد شامل عناصری مانند تقسیم‌بندی داستان به بخش‌ها، توصیف شخصیت‌ها و محیط، توالی رویدادها و توجه به جزئیات است. محمود در داستان همسایه‌ها با توجه به درک و فهم عمیق خود نسبت قواعد سنتی سعی کرده است در این قواعد تجدید نظر کند و از رویکردی نو‌آورانه و غیر معمول برای بیان داستان خود استفاده کند او با ترک این الگوهای رایج توانسته است موقعیت‌های جذاب و ناشناخته در داستان خود ابداع کند که این ابداع‌ها منجر به ایجاد تجربه متفاوت و جدید در خواننده می‌شود. احمد محمود با به‌کارگیری بعضی تکنیک‌های روایی مدرن مانند «مونتاز» و «فلاش‌بک» و روایت در لحظه وقوع از رئالیسم اجتماعی محض فاصله گرفته «الهی خدا ذلیلتون کنه. الهی بچه‌هاتون جلو چشمتون پرپر بزنن. به من رحم کنین... من دارم می‌میرم/ هیچ‌کس جوابشان نمی‌دهد. انگار که کسی صدایشان را نمی‌شنود. می‌روم تو ساختمان. کسی نیست که جلوم را بگیرد... آقا... مرد سفیدپوش می‌ایستد/ یه سوال دارم... راه می‌افتد / آگه مریضی برو تو صف ولی من مریض نیسم...» (همان: ۱۵۷).

همان‌گونه که در نمونه بالا می‌بینیم شکل و زبان محاوره‌ای، استفاده از لفظ‌های غیر ادبی کلمات و جمله‌ها با وجود اثرپذیر بودن، اتصال کوتاه (پرش از امری به امری دیگر) ایجاد تصویر برای خواننده از دیدگاه ادبی نوعی ساختار شکنی به حساب می‌آید. البته در آثار احمد محمود این نوع از نوشتن مزیت و سبک نویسنده است. استفاده کردن از جملات کوتاه از دیگر ویژگی نوشتارهای وی محسوب می‌شود.

از ویژگی‌های شخصیت‌پردازی‌ها داستان همسایه‌ها می‌توان به هماهنگ بودن آن‌ها با محیط جغرافیایی اشاره کرد. احمد محمود در تمامی طول داستان از عناصری چون: زبان، فضا و جغرافیا سود جست و همه را به‌گونه‌ای در پیوند با هم درآورده که همه چیز کاملاً واقعی و باورپذیر است. «در بعضی از آثار پست‌مدرنیستی... وجود جهان‌های متنوع، به خودی خود، کاربرد انواع زبان‌ها، گویش‌ها، حاشیه نویسی‌ها و شکل‌های ادبی را مطرح می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، ساختارهای گوناگون در جهانی از انواع گفتمان‌ها، با یکدیگر ترکیب می‌شوند. برای مثال زبان فریخته، زبان کوچه و بازار، زبان مستهجن و زبان مردم متوسط» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

محمود دائم خواننده را در معرض خاطرات گذشته شخصیت‌ها قرار می‌دهد. این گذار از حال به گذشته را مثلاً وقتی بلور خانم از دیدن مرده، ابراز وحشت می‌کند می‌توان دید، خالد می‌گوید اگر او «جعفر خشمال را دیده بود چه می‌کرد؟» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۰۱). سپس بلافاصله مکالمه‌اش را با پدرش، در گذشته، به یاد می‌آورد و ماجرای جعفر خشمال مطرح می‌شود: «پدر، چرا جعفر خشمال خودشو کشته؟» و پدر جواب می‌دهد: «مگه آدم چقد طاقت گشنگی و بیکاری و خفت و خواری را داره؟»... «صورت جعفر خشمال کبود کبود بود. دهانش باز مانده بود و زبانش ورم کرده بود» (همان: ۱۵۱).

### ۶-۱-۲- ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها

پست‌مدرنیسم از ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها و سبک‌های مختلف هنری استفاده می‌کند. این جریان به دنبال ایجاد آثاری است که مرزهای فرهنگی را متلاشی کند و به تنوع و تفاوت‌ها توجه کند. نمونه این اتفاق در برخورد شخصیت اصلی داستان-خالد- با دختر سیه چشم کاملاً واضح بیان می‌شود. در فصل گردش خالد و سیه چشم در باشگاه شرکت نفت، شاهد تفاوت طبقاتی این دو هستیم.

«نکته مهم در خصوص شخصیت داستان این است که اصولاً نویسنده با خلق یک شخصیت گویی به آفرینش انسانی دست می‌یازد که می‌تواند مختارانه در ماجرای داستان حضور پیدا کند و تأثیرگذار باشد» (فغانی، ۱۴۰۱: ۱۹۹). احمد محمود توانسته با شخصیت‌پردازی مناسب، انطباق با شخصیت، بهره‌گیری از واژگان و اصطلاحات جنوبی و ترکیب بندی اقلیمی را هماهنگ با هم در آثار خود جمع کند. در حقیقت شخصیت‌پردازی، فضا سازی، دیالوگ‌نویسی، خلق ماجراها و تعلیق‌های متعدد همه و همه از نویسنده‌ای خبر می‌دهد که با انبوهی از اطلاعات تاریخی معاصر و به‌ویژه شناخت انسان معاصر روبه‌رو است. (ر.ک: اسدی، ۱۳۹۸: ۱۲۶-۹۸).

رمان همسایه‌ها به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول، نویسنده داستان را از نگاه خالد نوجوان تعریف می‌کند. در بخش دوم رمان، خالد در کتابفروشی با ایدئولوژی آن زمان «سوسیالیست» آشنا می‌شود. در نهایت خالد بازداشت و در زندان با ناصر ابدی آشنا می‌شود. «خیلی خوب، بگو بینم اگر به حکم تاریخ، نفت باید تو مملکت ملی باشه، فقط باید در جنوب بشه؟»... «اگر جهان بینی مارکسیستی داشتی، هیچ وخ این حرفو نمی‌زدی» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۷۰).

اگر بخواهیم از لحاظ «درون‌مایه» به اثر محمود بپردازیم بیم‌ها و امیدها، آرمان‌ها و ارزش‌ها، گرایش و خواهش‌ها، تفکرات و تصورات شخصیت‌ها در این اثر نشان دهند زمان و زبان یک اقلیم است و شاید به‌طور کلی آن مردم یک کشور و به تعبیر کارلونی «ادبیات ابزار نمایش فرهنگ دورنی است» (کارلونی، ۱۳۶۸: ۶۷).

### ۱-۱-۲- ترکیب واقعیت و خیال

«متن پست‌مدرنیستی، واقعیت را در پراتز می‌گذارد تا عمل نوشتن، موضوع داستان شود» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۲۲۵) در داستان پست‌مدرن، نویسندگان به بررسی تجربه زمان و واقعیت می‌پردازند. آن‌ها ممکن است با استفاده از تکنیک‌هایی مانند روایت چندگانه، تغییر زمان و مکان، استفاده از رویاها و خواب‌ها، تجربه‌ها، زمان و واقعیت را به چالش بکشند. با این وجود زمان در طول رمان جریان دارد و نمی‌توان بخشی از داستان را برگزید و آن را زمان مشخص آن داستان نامید؛ بلکه باید گفت زمان رفتاری مانند پیرنگ دارد و «همچون پیرنگ عنصری است که در همه رویدادهای داستان محقق می‌شود، نه در یک رویداد خاص» (پاینده، ۱۳۸۹: ۶۲).

«تا ده می‌شمرم/ قدم می‌زند و ادامه می‌دهد/ فقط اسم اونائی رو می‌خوام که چمدونو بهت دادن. فقط همین! تا ده می‌شمرم/ و بنا می‌کند به شمردن یک... دو... انگار صدای خاله رعنا را می‌شنوم... خواهر این بچه لجبازه ... سه ... چهار

... حالا، صدای پدرم است... آگه تو اینهمه برآش لاپوشونی نکنی، اینهمه سرتق نمیشه. مادرم آرم اشک می‌ریزد ... پنج... شش... وقتی سر دنده لچ بیفتم، شمر هم جلو دارم نمی‌شود... هفت... هش...» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۳۶).

احمد محمود از جمله نویسندگان است که توانست تحولات اجتماعی و تاریخی را با چاشنی خیال و بهره‌گیری از شگردهای روایی به صورت زیبا و هنری روایت کند. «احمد محمود به من می‌گفت که از خواب‌هایش در نوشتن داستان‌هایش بسیار بهره می‌گیرد. نویسنده‌های بسیاری به اهمیت این امر اعتراف کرده‌اند و بر این باورند که روایاها، سرچشمه‌ای غنی برای داستان است» (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

#### ۸-۱-۲- تمرکز بر شخصیت‌های ضعیف و مردم عادی

«شخصیت داستان پسامدرن موجودی بی‌هویت است و این بی‌هویتی، بازتاب بی‌هویتی انسان عصر پسامدرنیته است که شرایط اجتماعی و آمیختگی او را وادار به پذیرش کلیشه‌های شخصیتی یکسان می‌کند» (تدین، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

رمان‌نویسان مدرن در راستای ابداع فنون بدیع و جدید برای بازنمایی مناسب عصر خویش شخصیت پردازی و فضا سازی را از آنچه مفهوم متعارف قبلی آن بود به حداقل کاهش دادند. این امر یکی از مهم‌ترین اتفاقات در تاریخ تحول رمان است. به همین جهت، می‌توان پیامدهای مدرنیسم را در ادبیات داستانی (رمان) این‌گونه برمی‌شمرد: «فردی شدن ارزش‌ها، عطف توجه از لایه آگاه ذهن به لایه ناخودآگاه، کنار گذاشتن الگوی سنتی (خطی) زمان» (ر.ک: پاینده، ۱۳۹۴: ۱۶۴-۱۵۳).

در داستان پست‌مدرن، شخصیت‌ها معمولاً پوچ و بی‌هدف هستند و به دنبال معنا و هدفی در زندگی نیستند. آن‌ها ممکن است در جست‌وجوی هویت و معنا باشند و در مواجهه با عدم قطعیت و نامعلومی زندگی، به سوالات بنیادی انسانی پاسخ می‌دهند. در کل، داستان پست‌مدرن با شکستن قوانین سنتی داستان‌نویسی، بررسی تجربه زمان و واقعیت و تمرکز بر شخصیت‌های پوچ و بی‌هدف، به خواننده‌ها تجربه‌ای نوین و متفاوت از داستان‌های سنتی ارائه می‌دهد. «احمد محمود سخت درون گراست و در برخورد با رویدادها، واقعیت‌های محیط و علت‌های پدیده‌ها را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد و تنها به برشی از سطح زندگی قناعت می‌کند؛ آدم‌های داستان‌های محمود چهره مشخصی ندارند، زنده و قابل لمس نیستند و در پشت آن‌ها چهره نویسنده به وضوح دیده می‌شود» (میرعابدینی، ۱۳۸۷: ۳۶۱).

#### ۹-۱-۲- فراداستان

فراداستان از شگردهای داستانی است که در آن داستان‌ها و روایت‌ها بر اساس تخیل و خلاقیت نویسنده ساخته می‌شوند. این داستان‌ها معمولاً شامل عناصر فانتزی، علمی-تخیلی، ماجراجویی و ... هستند. «فراداستان پست-مدرنیستی رئالیسم را از درون زیر سوال می‌برد، تظاهر نمی‌کند پنجره‌های روشنی را رو به جهان باز کرده برش‌هایی از زندگی، تصویری از واقعیت را ارائه می‌دهد بلکه با جلب توجه به جنبه ساختگی بودن خودش ادعان می‌کند که نمی‌تواند هیچ بازنمایی عینی کامل یا کلاً معتبر ارائه دهد» (وارد، ۱۳۹۳: ۵۰).

«ناگهان صدای باز شدن در اتاق به گوشم می‌نشیند. تکان می‌خورم اما جرأت نمی‌کنم سر برگردانم. کسی می‌آید تو. صدای پاش بریده می‌شود... پاشو/ صدا آشنا نیست./ جم نمی‌خورم. صدا کلفت‌تر می‌شود... گفتم که پاشو... باز گنجشک‌ها پیدا شده‌اند. باز نقطه سیاه اوج گرفته است. گنجشک‌ها گردن می‌کشند و بیهوده سرو صدا می‌کنند. نقطه سیاه آنقدر بالا رفته است که دیگر دیده نمی‌شود...» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۴۲). «یکی از مؤلفه‌هایی که این روزها زیاد از آن استفاده می‌شود، حضور نویسنده به‌عنوان صاحب اثر در نوشتار است. هیچ علتی برای فراداستان شدن یا

داستانی درباره نوشتن داستان مورد نظرمان وجود ندارد و حضور نویسنده کمترین جذابیتی به متن نمی‌افزاید و حتی آن را از پتانسیل اولیه ساقط می‌کند» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۲۷۴).

#### ۱۰-۱-۲- شکستن قوانین و قواعد سنتی

نویسنده پست‌مدرن می‌تواند قواعد و ویژگی‌های مرسوم در چندین ژانر را به اثر خود وارد کند. در پست‌مدرنیسم تکنیک‌های زیادی وجود دارد که نویسندگان از طریق آن‌ها می‌توانند بر این ارتباطات و پیوندها تأکید کنند، از جمله «تقلیدنمایی»، «نقیضه»، استفاده از نقل قول و یا حتی ارجاع مستقیم. در رمان همسایه‌ها، نویسنده بدون آنکه مستقیماً به گذشتن یک سال از زمان شروع داستان اشاره کند، در گفت‌وگویی به گذشت زمان و یک سال بزرگتر شدن خالد اشاره می‌کند: «هی تو عجب دراز شدی خالد... اصلاً به شونزده ساله‌ها نمی‌مونی» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۵۴) این درحالی است که حدود صد صفحه قبل، باز هم به شکلی غیرمستقیم، خالد سن خود را بیان کرده اس: «جان به جانش بکنی از شانزده بیشتر ندارد» (همان: ۵۰).

#### ۱۱-۱-۲- نفی کلیت و جامعیت

لیوتار در تبیین و توضیح پست‌مدرنیسم معتقد است که «دیگر نمی‌توان از یک عقیده و عقلانیت کلیت یافته و جهان شمول سخن گفت؛ زیرا عقل کلی و جهانی هرگز وجود خارجی ندارد. آنچه در اندیشه پست‌مدرن مطرح می‌شود این است که باید از عقل‌ها و بینش‌ها و اندیشه‌های متکثر سخن به میان آورد. بدین ترتیب، در دنیای پست‌مدرن، عدم اعتقاد به دنیای عینی و بی‌ایمانی نسبت به توجیهات و استدلال‌های کلی یا جهان شمول فلسفی و ناباوری و عدم اعتماد به هرگونه فرا روایت درباره مشروعیت وجود دارد» (رهنمایی، ۱۳۸۴: ۲۰۱-۱۹۹).

#### ۱۲-۱-۲- عدم قطعیت (شک، جهان شایدها)

بر اساس این مؤلفه همه‌چیز نسبی است. حقیقت به زمان و مکان و زمین بستگی دارد و به همین دلیل، متغیر و بی‌ثبات است. «در متن ادبی نیز معنا قطعیت ندارد و متن به چیزی در بیرون خود ارجاع نمی‌دهد؛ بلکه ارجاع آن به خود است» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۳۲۶). درواقع، ادبیات پست‌مدرن رویدادها به صورت احتمال در می‌آیند، تغییر جا می‌دهند و گاهی درست در تناقض و تعارض با هم قرار می‌گیرند. بنابراین اگر یکی از شخصیت‌ها راوی باشد، در این لحظه، این زاویه دید را دارد و چند لحظه بعد زاویه دیدی دیگر. «روز چهارم است که از خانه بیرون نرفته‌ام. دارم دق می‌کنم. لیلا، دختر بزرگ ملااحمد خیلی دلش می‌خواهد که با هم اخت شویم... دست به سرش می‌کنم. هوا گرمه، حوصله بیرون رفتن ندارم. حرفم را باور نمی‌کند. لبخند می‌زند... چند روزه قاپ بلور خانم را دزدیده است... گفته است که اگر زن سواد داشته باشد، خیلی بهتر می‌تواند زندگی را بشناسد... مگه زن، چه فرقی با مرد داره؟! چرا زن نمیباید مته مردا کار کنه؟! ملا احمد و خواجه توفیق با هم جور در آمده‌اند/ملا احمد می‌نشیند روبروش به گپ زدن/ روزگار بدی شده/ خواجه توفیق حرف‌های ملااحمد را تصدیق می‌کند» (احمد محمود، ۱۳۵۷: ۲۸۹) «برداشتن مرزها قطعیت را از بین می‌برد؛ از این زاویه، داستان پست‌مدرنیستی در عدم تعیین حتمیت سر می‌کند. یکی از جاهایی که این عدم قطعیت بیشتر از همه خود را نشان می‌دهد، پایان داستان است» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

### ۱۳-۱-۲- انکار حقیقت ثابت و عینی

«رمان پست‌مدرن مدعی می‌شود که حقیقت واحد هرگز وجود ندارد بلکه انسان همواره با مجموعه‌ای از حقایق

پیوندها	شاخص‌های مکتب جنوب (همسایه‌ها)	مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم	مبنا
---------	-----------------------------------	-----------------------	------

روبه‌روست» (تدین، ۱۳۸۸: ۱۳۲) این اصل آنچنان با اندیشه پست‌مدرنیسم آمیخته است که در پاره‌ای موارد پست‌مدرنیسم را همان انکار استانداردهای عینی باورها دانسته‌اند. «داستان پست‌مدرنیستی در پی آن است که نشان دهد هیچ نسبتی با واقعیت برقرار نمی‌کند، اما توهم واقع‌نمایی را نیز به مسخره می‌گیرد ... داستان نمی‌خواهد و قرار نیست به چیزی خارج از خود شبیه شود یا امکان وقوع یابد؛ این کار با برداشتن مرزهای بین وجوب، امکان و امتناع، معادل است» (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۳۲۵).

جدول نمایی کلی مقاله- پیوندهای رمان همسایه‌ها به‌عنوان اثری اقلیمی با مؤلفه‌های مکتب پست‌مدرن



شخصیت	شخصیت‌های ضعیف و مردم عادی	شخصیت‌های متعدّد لمس نیستند و در پشت آن‌ها چهره‌نویسنده به وضوح دیده می‌شود	شخصیت‌های متعدّد
	موجودی بی‌هویت		
زمان	زمان‌های متعدّد	روایت تاریخ‌های متعدّد	تعدّد زمان و پرش نویسنده در زمان و ایجاد فضای خاص متفاوت
		خاطرات شخصیت‌ها	گذار از حال به گذشته
		زمان در طول رمان جریان دارد	
روایت	حضور راوی در داستان	گفت‌وگو درونی راوی و شکستن قواعد نثر	روایت‌گر من ذهنی یا اول شخص ذهنی
	تجربه شخصی هنرمندان		
	روایت در لحظه وقوع		
ایدئولوژی	نقد ایدئولوژی	نقد ایدئولوژی	بیان نقاط ضعف و ناکارآمدی ایدئولوژی
قوانین	شکستن قوانین و قواعد سنتی	رویکردهای نوآورانه و غیرخطی	تجدید نظر در قواعد سنتی
فرهنگ	ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها و سبک‌های مختلف	اتکای نویسنده بر بوم، زیست و اقلیم	وجود جهان‌های متنوع، کاربرد انواع زبان‌ها، گویش‌ها
درون‌مایه	تحولات اجتماعی و تاریخی	تفکرات و تصورات بیم‌ها و امیدها، آرمان‌ها و ارزش‌ها، گرایش و خواهش‌ها	بیان وقایع تاریخی بافت باز و گشاده و حوادث متعدّد
زبان	لفظ‌های غیر ادبی کلمات	زبان محاوره‌ای اصطلاحات بومی و محلی	زبان فرهیخته، زبان کوچه و بازار، زبان مستهجن و زبان مردم متوسط
پیرنگ	ترکیب واقعیت و خیال	تغییر زمان و مکان استفاده از رویاها و خواب‌ها	درک ذهنی روایت‌گر

### ۳- نتیجه‌گیری

پست‌مدرنیسم، مبتنی بر اصول و مبانی خاصی از جمله نفی کلیت و جامعیت، انکار هویت انسجام یافته فرد و اجتماع، اعلان پایان پذیرفتن و بی‌اعتباری ایدئولوژی، انکار حقیقت ثابت و عینی، نفی کلیت و جامعیت، انکار هویت انسجام یافته فرد و اجتماع، اعلان پایان پذیرفتن و بی‌اعتباری ایدئولوژی است. آنچه رمان همسایه‌های احمد محمود را در چارچوب سیال بین ادبیات اقلیمی جنوب و پست مدرن قرار داده این است که احمد محمود با استفاده از این

مشخصه‌ها و مؤلفه‌ها توانسته است داستانی را به وجود بیاورد که در واقع ترکیبی از این دو مکتب باشد. وجود مفاهیمی از جمله عدم وجود فرجام مشخص داستان، پرش‌های مکرر در داستان از امری به امری دیگر، روایت نوسانی میان حال و گذشته شخصیت‌ها، عدم قطعیت، کارکرد زبانی مانند استفاده از فرهنگ عامه جنوب، حضور راوی در داستان، قطع و وصل‌های رخداد‌های پراکنده، بازگشت دایره‌وار به ماجرای نخستین و بیان روایی با استفاده از ابزارهای گوناگونی چون شگردهای داستان نویسی، کاربست ارجاع‌های تطبیقی همانند ارجاع‌های عاطفی، سیاسی و اجتماعی، رخداد‌های متناسب با داستان با استفاده از دیالوگ‌ها و تک‌گویی‌های شخصیت‌ها، شکستن قوانین و قواعد سنتی، ترکیب و تلاقی فرهنگ‌ها، ترکیب واقعیت و خیال، توجه به مضامین اجتماعی، هویت بومی و اقلیمی و از همه مهمتر عدم تمایز بین شیوه نقل روایت داستان با محتوای آن از مهمترین شگردهای ترکیبی احمد محمود در آفرینش رمان همسایه‌هاست که هویتی ترکیبی بین ادبیات اقلیم جنوب و پست مدرنیست بدان بخشیده است.

## منابع

### کتاب‌ها

- ۱- اسدی، کورش و غلامرضا رضایی، (۱۳۹۸)، *دریچه جنوب*، چاپ اول، تهران: نیماز.
- ۲- انوشه، حسن، (۱۳۷۶)، *فرهنگ نامه ادب فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۳- بی‌نیاز، فتح‌الله، (۱۳۹۴)، *در آمدی بر داستان‌نویس و روایت‌شناسی*، تهران: افراز.
- ۴- پاینده، حسین، (۱۳۸۹)، *داستان کوتاه در ایران*، تهران: نیلوفر.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۲)، *نظریه‌های رمان (از رئالیسم تا پست مدرنیسم)*، تهران: نیلوفر.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴)، *گفتمان نقد*، تهران: نیلوفر.
- ۷- تسلیمی، علی، (۱۳۹۶)، *پژوهشی انتقادی کاربردی در مکتب‌های ادبی*، تهران: کتاب آبه.
- ۸- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر (داستان)*، تهران: کتاب آبه.
- ۹- تدین، منصوره، (۱۳۹۷)، *مسافر گمشده زمان (بیست گفتار در رمان و داستان کوتاه)*، تهران: خجسته.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، *پسامدرنیسم در ادبیات داستانی ایران*، تهران: علمی.
- ۱۱- رهنمایی، سید احمد، (۱۳۸۴)، *غرب‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۲- سقازاده، مریم، (۱۳۹۳)، *ادبیات اقلیمی در آثار احمد محمود*، تهران: تندیس.
- ۱۳- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۵)، *نقد ادبی*، تهران: میترا.
- ۱۴- کارلونی، ژس و دیگران، (۱۳۶۸)، *نقد ادبی؛ ترجمه نوشین پزشک*، تهران: نشر و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۵- گری، مارتین، (۱۳۸۲)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۶- گلشیری، احمد، (۱۴۰۰)، *داستان و نقد داستان*، تهران: نگاه.
- ۱۷- گلستان، لیلی، (۱۳۸۶)، *حکایت حال (گفتگو با احمد محمود)*، تهران: معین.
- ۱۸- میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۷)، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، تهران: چشمه.
- ۱۹- میرصادقی، جمال، (۱۳۶۰)، *ادبیات داستانی*، تهران: ماهور.
- ۲۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، *راهنمای داستان‌نویسی*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۲۱- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، *عناصر داستان*، تهران: سخن.
- ۲۲- میرصادقی، جمال و میمنت ذوالقدر، (۱۳۷۷)، *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*، تهران: کتاب مهناز.
- ۲۳- محمود، احمد، (۱۳۵۷)، *همسایه‌ها*، تهران: امیرکبیر.

۲۴- مستور، مصطفی، (۱۳۸۴)، **مبانی داستان کوتاه**، تهران: مرکز.

۲۵- وارد، گلن، (۱۹۹۷) **پست‌مدرنیسم**، ترجمه‌ی قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی، تهران: ماهی.

#### مقالات

۱- اسدی، حسن، (۱۳۵۸)، «درآمدی بر ادبیات جنوب»، مجله‌ی نگین، مرداد، شماره ۱۶۹: ۴۹-۴۷.

۲- قره‌باغی، علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، «تبارشناسی پست‌مدرنیسم (۱)» نشریه‌ی گلستانه، شماره ۷.

۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، «تبارشناسی پست‌مدرنیسم (۲)» نشریه‌ی گلستانه، شماره ۸.

۴- فغانی، سونیا، (۱۴۰۱)، «تحلیل عناصر داستان در رمان پستیچی با تأکید بر عناصر ساختاری طرح» فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی، شماره ۲۲: ۱۹۹.

۵- فرجیان محترم، منیژه، (۱۳۹۷)، «بررسی مقایسه‌ی ای افول فراروایت داستان‌نویس در کولی کنار آتش و..» فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی، شماره ۴: ۹.